

علم أصول الفقه

١٩

اوامر ٣-١-٩٥

دراسات الأستاذ:
مهدي الهادي الطهراني

۲- تفاوت کار اصولی و لغوی در بحث الفاظ

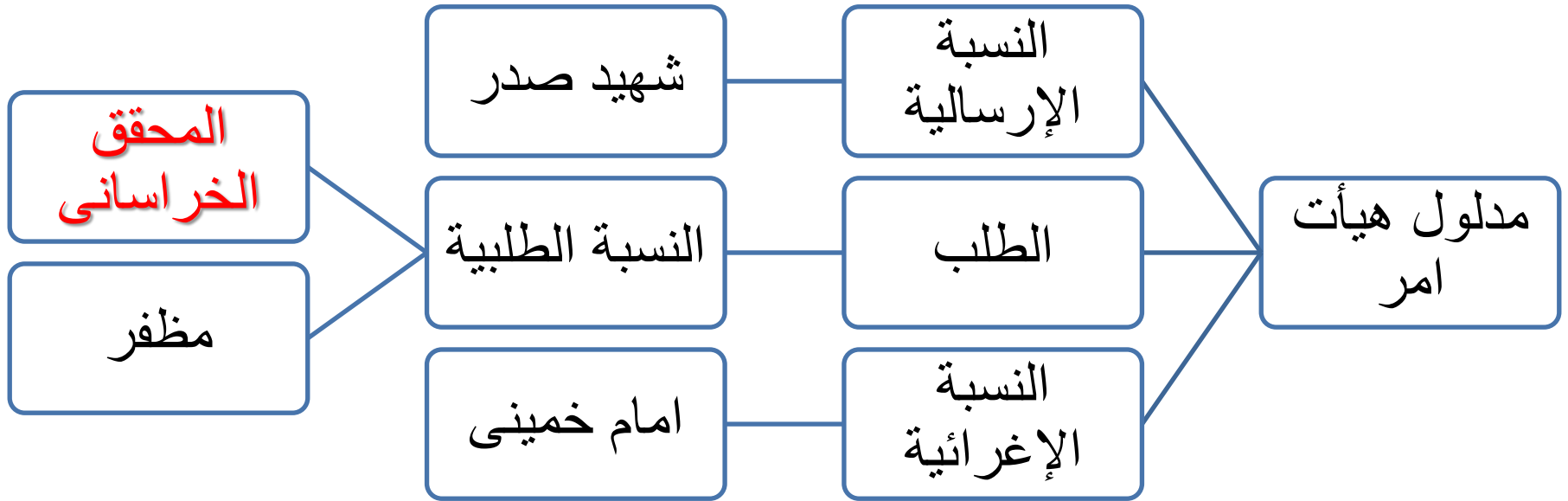


ماده

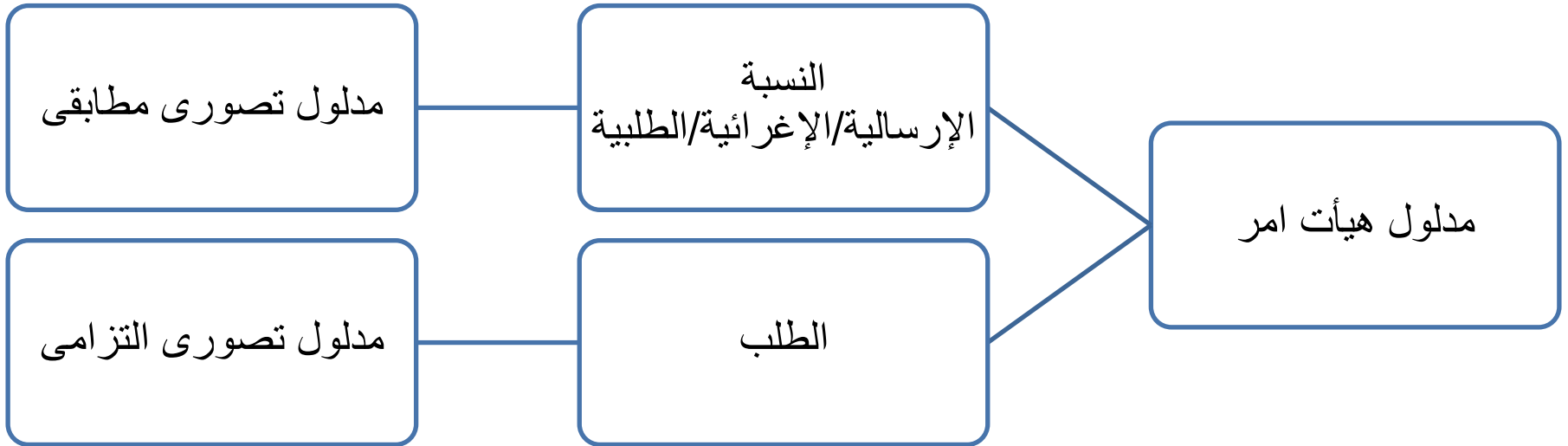
هيأت

امر

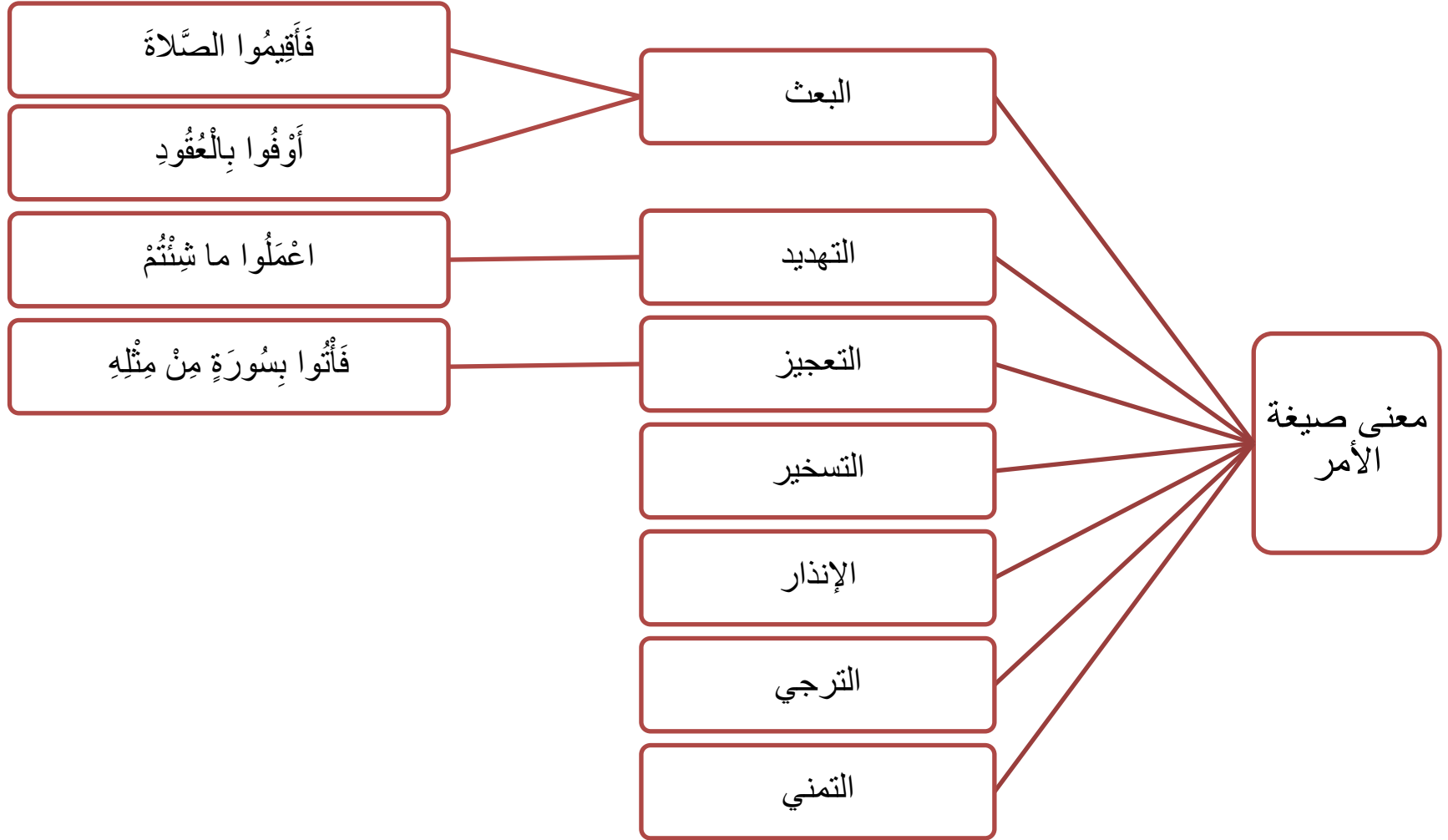
مدلول هيأت امر



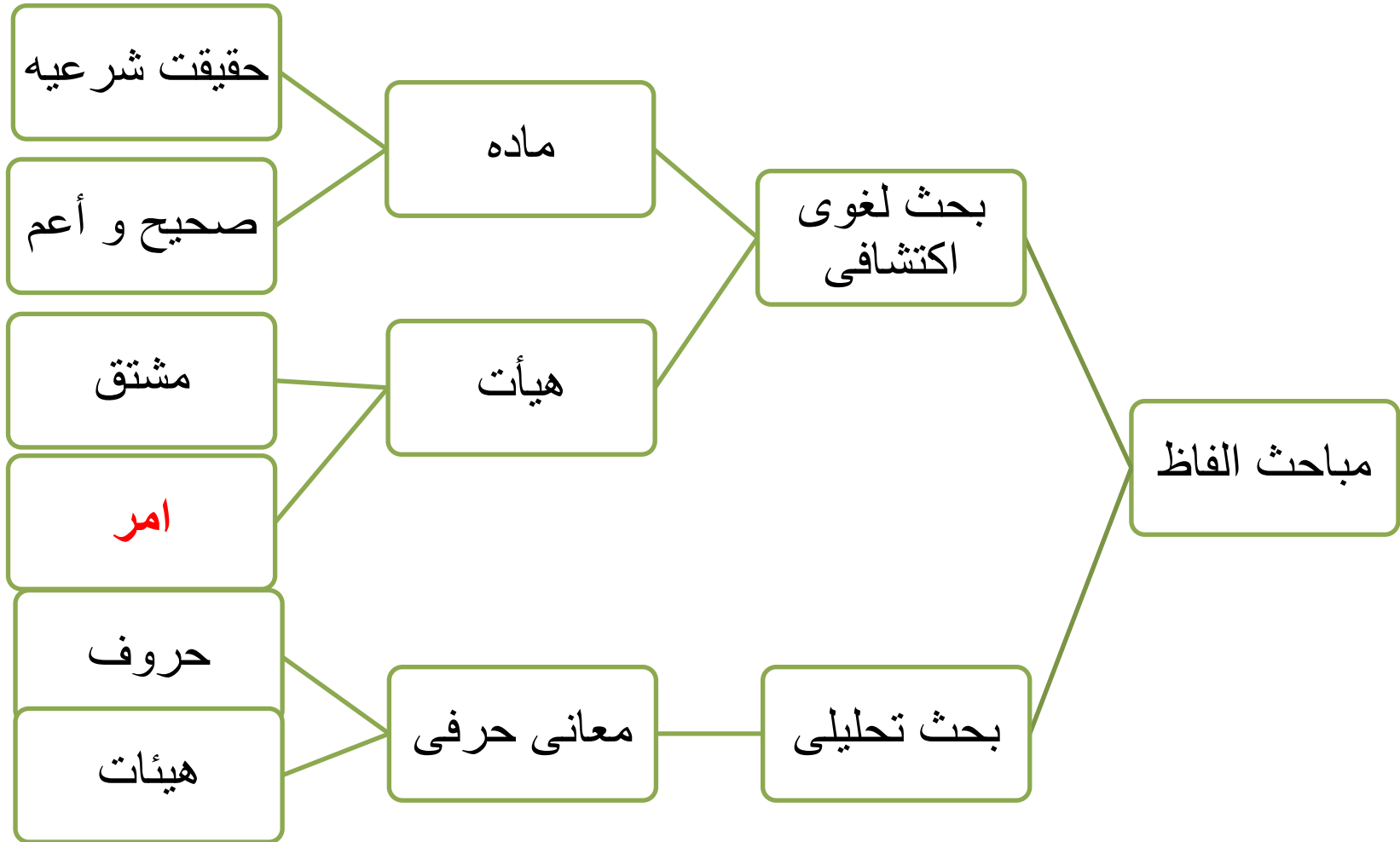
مدلول هيأت امر



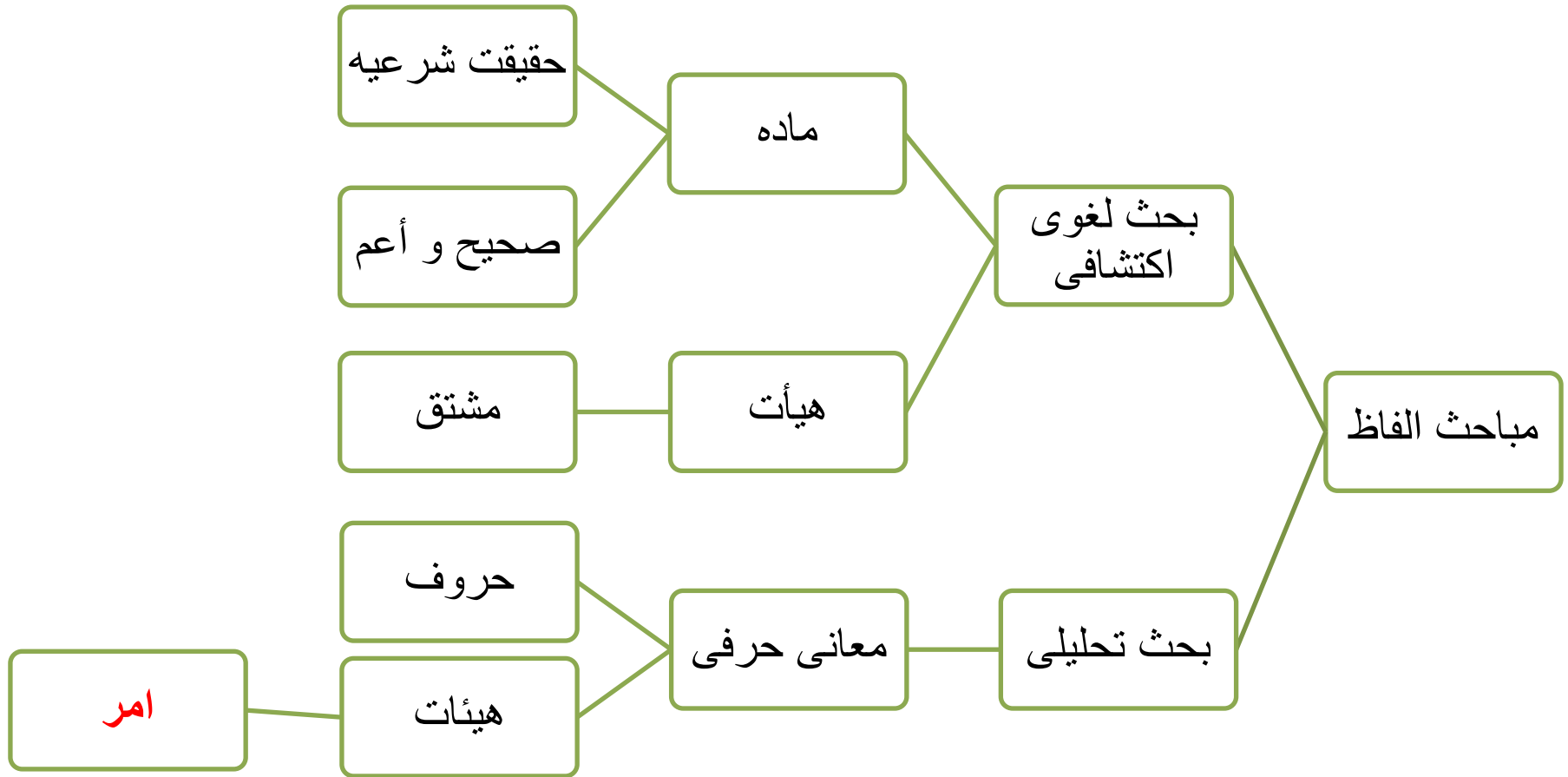
استعمال هيأت امر در غير طلب



۲- تفاوت کار اصولی و لغوی در بحث الفاظ



۲- تفاوت کار اصولی و لغوی در بحث الفاظ



نظریه
مشهور

وضع صیغه امر برای
وجوب

مرحوم
نائینی

حکم عقل به دلالت امر
بر وجوب

حضرت امام

حکم عقلا به دلالت امر
بر وجوب

آقا ضیاء
عراقی

ظهور امر در وجوب،
ظهور اطلاق است

منشأ ظهور امر
در وجوب

استعمال امر در
غیر وجوب
مجازی است.

نظریه
مشهور

وضع صیغه امر برای
وجوب

مرحوم نائینی

حکم عقل به دلالت امر بر
وجوب

حضرت امام

حکم عقلا به دلالت امر بر
وجوب

آقا ضیاء
عراقی

ظهور امر در وجوب، ظهور
اطلاقی است

منشأ ظهور امر در
وجوب

منشأ ظهور امر در
وجوب

وضع صیغه امر برای
وجوب

حکم عقل به دلالت امر بر
وجوب

حکم عقلا به دلالت امر بر
وجوب

ظهور امر در وجوب، ظهور
اطلاقی است

نظریه
مشهور

مرحوم نائینی

حضرت امام

آقا ضیاء
عراقی

استعمال امر در
غیر وجوب
مجازی است.

حکم عقل غیر از
حکم عقلا است.

نظریه
مشهور

وضع صیغه امر برای
وجوب

مرحوم
نائینی

حکم عقل به دلالت امر
بر وجوب

حضرت امام

حکم عقلا به دلالت امر
بر وجوب

آقا ضیاء
عراقی

ظهور امر در وجوب،
ظهور اطلاق است

منشأ ظهور امر
در وجوب

نظریه
مشهور

وضع صیغه امر برای
وجوب

آقا ضیاء
عراقی

ظهور امر در وجوب،
ظهور اطلاق است

منشأ ظهور امر
در وجوب

ظهور امر در وجوب

- ۳. نظریه مرحوم آقاضیاء
- مشکل اصلی تصویر اطلاق است. ما باید اطلاق را طوری تصویر کنیم که اگر امر وجود داشت و ترخیصی نبود، با اینکه امر برای وجوب وضع نشده است، وجوب را کشف کنیم.
- این مشکل بر می‌گردد به اینکه ما وجوب و استحباب را چگونه تحلیل کنیم.

وضع

لزوم

اطلاق

منشأ ظهور

نظريه
مشهور

وضع صيغه امر برای
وجوب

آقا ضياء
عراقی

ظهور امر در وجوب،
ظهور اطلاقى است

منشأ ظهور امر
در وجوب

تصوير
اطلاق

ظهور امر در وجوب،
ظهور اطلاقى است

منشأ ظهور
امر در وجوب

منشأ ظهور
امر در وجوب

ظهور امر در وجوب،
ظهور اطلاق است

تصوير
اطلاق

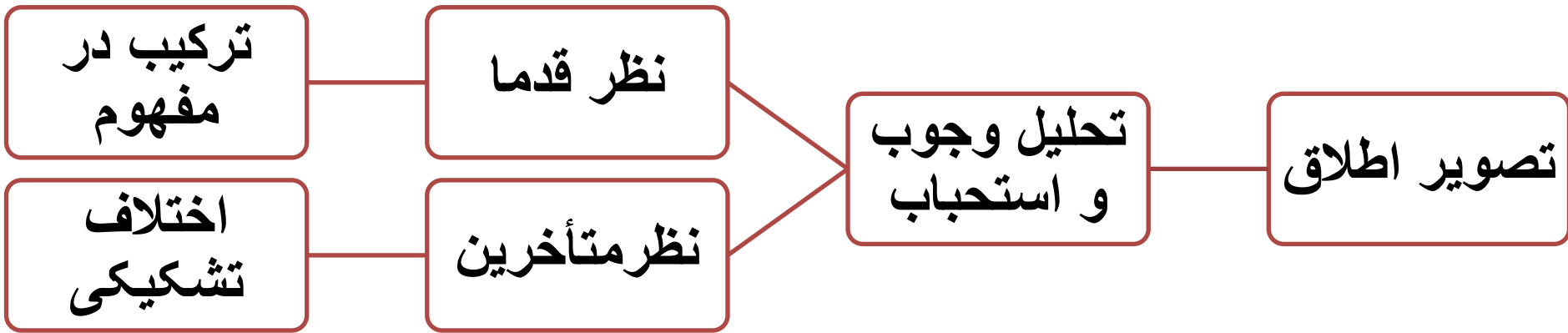
تحليل وجوب و
استحباب

منشأ ظهور
امر در وجوب

ظهور امر در وجوب،
ظهور اطلاق است

تصوير
اطلاق

تحليل وجوب و
استحباب



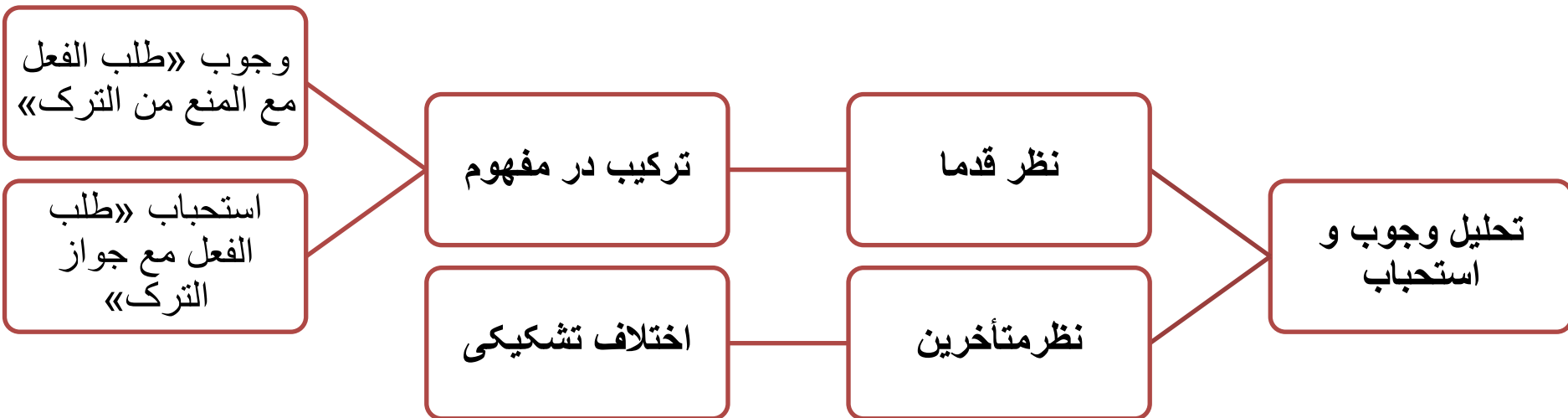
ترکیب در
مفهوم

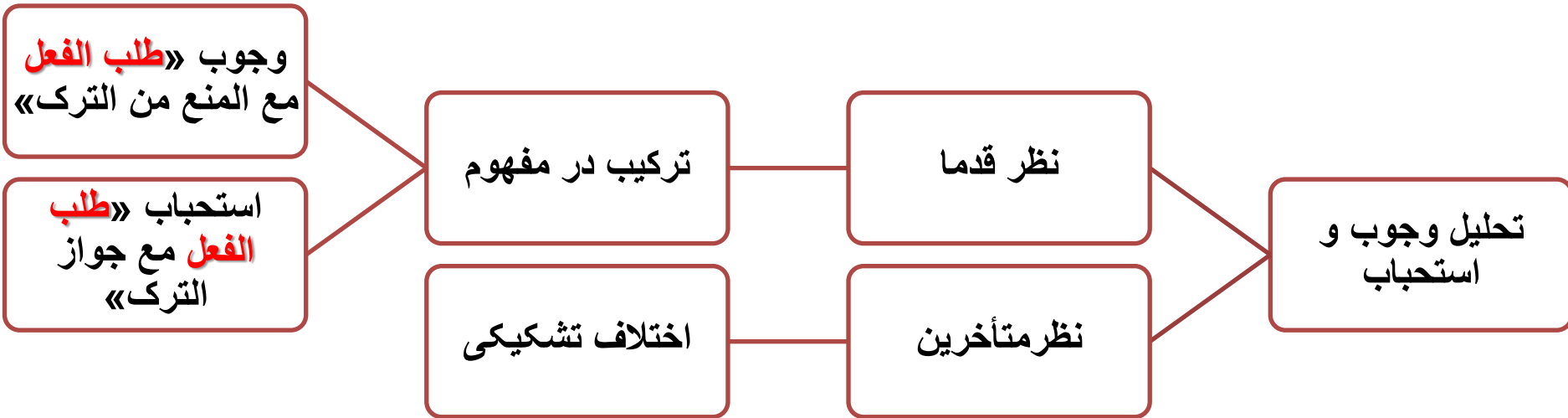
نظر قدما

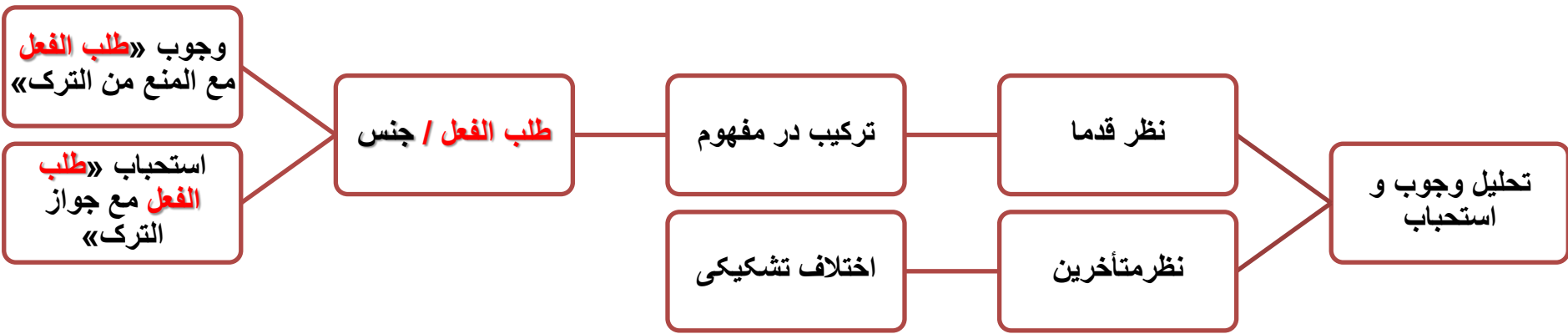
اختلاف
تشکیکی

نظر متأخرین

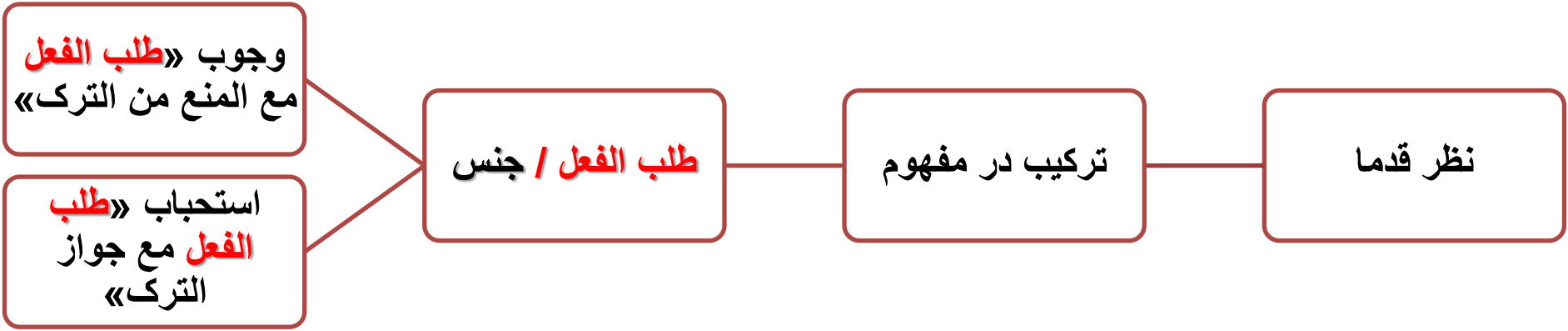
تحلیل وجوب
و استحباب







تحليل وجوب و استحباب



تحليل وجوب و استحباب

نظر قدما

نظر متأخرين

ترکیب در مفهوم

اختلاف تشکیکی

طلب الفعل / جنس

وجوب «طلب الفعل»
مع المنع من الترك»

استحباب «طلب
الفعل مع جواز
الترك»

تحليل وجوب و استحباب

نظر قدما

نظر متأخرين

تركيب در مفهوم

اختلاف تشكيكي

طلب الفعل / جنس

وجوب «طلب الفعل»
مع المنع من الترك»

استحباب «طلب
الفعل» مع جواز
الترك»

موضوع له هيات
امر

ظهور امر در وجوب

- قدما وجوب و استحباب را طوری تحلیل می‌کردند که دو مفهوم مرکب می‌شدند.
- می‌گفتند وجوب عبارت است از «طلب الفعل مع المنع من الترك» و استحباب عبارت است از «طلب الفعل مع جواز الترك». در نتیجه وجوب و استحباب یک جزء مشترک دارند که همان «طلب» است و یک جزء مختص دارند که در وجوب «منع از ترک» و در استحباب «جواز ترک» است. حتی این تعبیر در کلمات اصولی‌های قدیم وجود دارد که طلب جنس وجوب و استحباب است و منع از ترک، فصل وجوب و جواز ترک، فصل استحباب است.

ظهور امر در وجوب

- اگر این بیان درست باشد، وجوب و استحباب در واقع به منزلة دو نوع از یک جنس هستند که با هم متباین اند. بر اساس این مبنا اگر امر برای طلب وضع شده باشد، صرفاً بر جنس دلالت می‌کند و برای اینکه یکی از دو نوع فهمیده شود، به فصل نیاز داریم.

ظهور امر در وجوب

- بنابراین اگر به شیئی امر شد و از ترک همان شیء نهی شد، وجوب فهمیده می شود. همچنین اگر به شیئی امر شد و ترکش هم جایز شمرده شد، استحباب فهمیده می شود. اما اگر به شیئی امر شد و نه از ترکش نهی شد و نه حکم به جواز ترکش داده شد، در اینجا نه استحباب فهمیده می شود و نه وجوب. فقط این مقدار فهمیده می شود که این عمل مطلوبیت دارد.

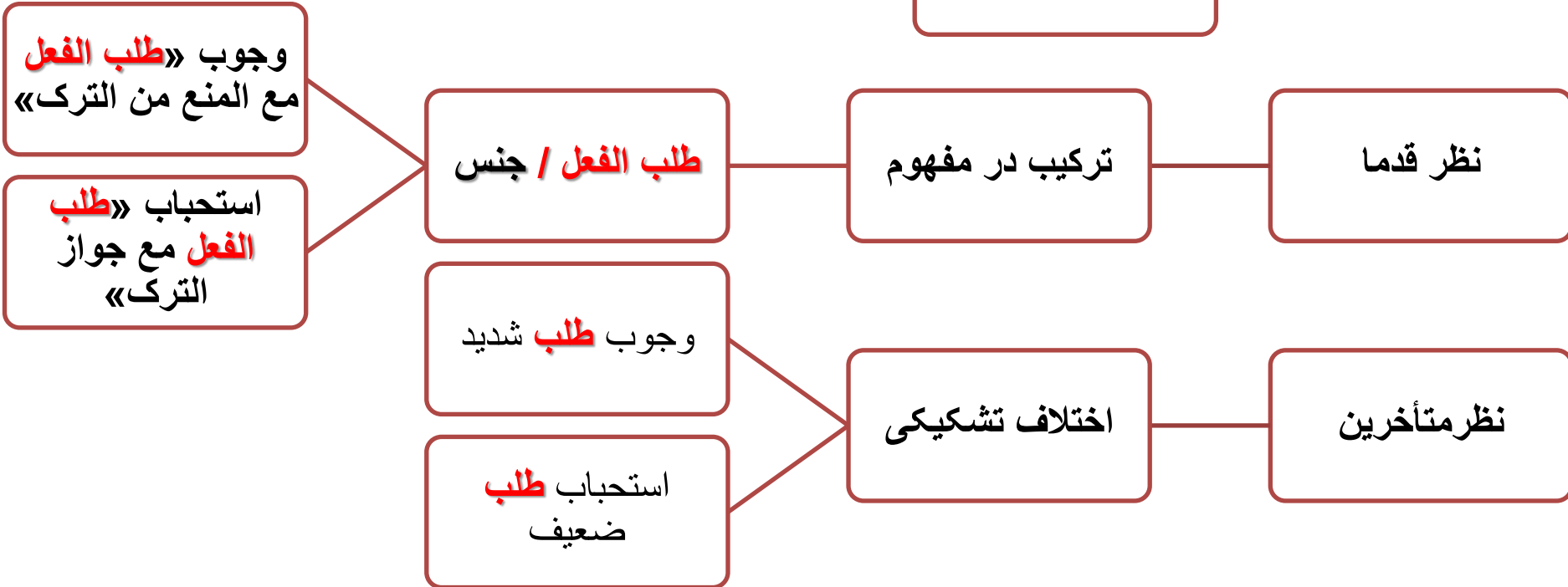
ظهور امر در وجوب

- بنابراین طبق مبنای قدا در تحلیل وجوب و استحباب اصلاً نمی‌شود که اطلاق بر وجوب دلالت کند.
- به همین دلیل قدا قائل شدند به اینکه امر برای وجوب وضع شده است؛ یعنی خود امر بر دو مطلب با هم دلالت دارد: طلب الشیء و المنع من الترتک.

ظهور امر در وجوب

- ولی این نظر از حیث تحلیل، درست نیست؛ نه در تحلیل وجوب و استحباب و نه در تحلیل موضوع له امر.
- امر حداکثر بر طلب دلالت می‌کند که آن هم موضوع له امر (مدلول مطابقی) نیست، بلکه مدلول التزامی امر است. اما منع از ترک اصلاً جزء مدلول امر نیست.

تحليل وجوب و استحباب



ظهور امر در وجوب

- در تحلیل مفهوم استحباب و مفهوم وجوب، متأخرین می گویند استحباب و وجوب در واقع به دو گونه از طلب بر می گردند اما نه آن طوری که قدما می گفتند، بلکه وجوب یعنی طلب شدید؛ طلبی که مرتبه بالاتر است و استحباب یعنی طلب ضعیف. پس تفاوت وجوب و استحباب به شدت و ضعف است.

ظهور امر در وجوب

- وقتی می‌گوییم یک عملی واجب است؛ یعنی مولا به شدت طالب تحقق آن است. لازمه عقلی چنین طلب شدیدی این است که ترکش ممنوع باشد. اگر منع از ترک در موارد وجوب فهمیده می‌شود، لازمه عقلی شدت طلب است که خود شدت طلب خصوصیت وجوب است نه اینکه جزء مفهوم وجوب باشد این لازم در موارد استحباب نیز وجود دارد اما آن قدر شدید نیست که منع از ترک را از آن برداشت کنیم، بلکه به گونه‌ای است که جواز ترک از آن برداشت می‌شود.

ظهور امر در وجوب

- بعضی از اصولی‌ها مثل مرحوم نائینی و مرحوم آقاضیاء در این تشکیک کرده‌اند که خود طلب شدت و ضعف پیدا کند و دارای مراتب باشد.
- به همین دلیل حضرت امام - رضوان الله علیه - در مقدمات این بحث ابتدا توضیح می‌دهند که طلب شدت و ضعف دارد.
- بعضی‌ها گفته‌اند، اگر طلب به معنای تحریک عضلات باشد، شدت و ضعف در آن معنا ندارد؛ چون وقتی برای انجام یک کاری عضلات تحریک می‌شود، دیگر معنا ندارد بگوئیم شدید تحریک شده یا ضعیف تحریک شده است!

ظهور امر در وجوب

- امام - رضوان الله عليه - می فرمایند حتی اگر طلب به معنای تحریک عضلات هم باشد، شدت و ضعف در آن معنا دارد؛ چون تحریک عضلات در بعضی موارد با موارد دیگر بالوجدان فرق می کند.

ظهور امر در وجوب

- برای مثال آنجا که کسی خیلی خواهان تحقق یک چیزی است مثلاً از تشنگی در حال مردن است، با شدت به سمت آب حرکت می‌کند و آن کسی که تشنه است اما شدید تشنه نیست، به کندی و با آرامش به سمت آب حرکت می‌کند.
- در حقیقت ایشان با تطبیق نظریه تشکیک خاصی در بحث طلب تکوینی، خواسته اند بگویند تفاوت دو مرتبه از طلب به خود طلب است نه به امر خارج از طلب. به عبارت دیگر ما به الإمتیاز عین ما به الإشتراك است.

ظهور امر در وجوب

- . أجود التقريرات، ج ١، ص ٩٥؛ فوائد الاصول، ج ١، ص ١٣٥ -
١٣٦؛ بدائع الافكار في الأصول، ص ٢١٢.

ظهور امر در وجوب

- النائيني، محمد حسين، فوائد الاصول (تقرير: محمد علي كاظمي الخراساني)، ج ١، ص ١٣٥ - ١٣٦، جامعة مدرسين حوزه علمية قم، قم، چاپ اول، چاپ ١٣٧٦ هـ. ش.
- مناهج الوصول إلى علم الأصول، ج ١، ص ٢٤٧ - ٢٤٨.

ظهور امر در وجوب

- و بالجملة يكفى لإثبات الوجوب ظهور إطلاقه فى كونه فى مقام حفظ المطلوب و لو بكونه حافظا لمبادئ اختياره من جهة إحدائه الداعى على [الفرار من العقاب] أيضا، بخلاف الاستحبابى [فأنه] لمحض أحداث الداعى على تحصيل الثواب فلا يوجب مثله حفظ مبادئ اختيار العبد للإيجاد بمقدار ما يقتضيه الطلب الوجوبى، و لذا يكون فى مقام حفظ الوجود أنقص، فأطلاق الحافظية يقتضى حمله على ما يكون فى حافظيته أشمل.

ظهور امر در وجوب

- و قد يقرب الإطلاق أيضا بأن مقتضى إطلاق اللفظ في مقام البيان حمل معناه على ما هو أكمل، لما في الأضعف نقص ليس فيه.
- و كلا [التقريبين] للإطلاق و ان كانا خفيين و لكن بعد ارتكاز الذهن باقتضاء الإطلاق ذلك لا ضير في خفاء وجهه، كيف و غالب الارتكازيات مخفية على الخواص فضلا عن [العوام]، و الله العالم.

ظهور امر در وجوب

- تقریر اول مرحوم آقاضیاء از اطلاق
- یکی از تقریراتی که ایشان برای اطلاق دارند، این است که وجوب و استحباب هر دو طلب هستند. وجوب طلب شدید است و استحباب طلب ضعیف. گویا استحباب مخلوطی از طلب و عدم طلب است در حالی که وجوب محض طلب است، فقط خواستن است، هیچ نخواستنی و هیچ عدمی همراهش نیست. وقتی امر صادر می‌شود و هیچ بیان دیگری وجود ندارد، معنایش این است که اینجا صرفاً طلب وجود دارد. این طلب محض عبارت است از وجوب. پس اطلاق امر دلالت بر طلب می‌کند.

ظهور امر در وجوب

- ایشان می خواهد بگوید بخشی که بر طلب دلالت می کند، گفتار یعنی صیغه امر است اما این مطلب را که این طلب مشوب به عدم طلب نیست، از نگفتن استفاده می کنیم. همین که مولا چیزی نگفت، معلوم می شود غیر از طلب هیچ چیزی نبوده است و طلب محض است و معنای طلب محض وجوب است.

ظهور امر در وجوب

- شهید صدر - رضوان الله عليه - با فرض اینکه مقصود ایشان همین باشد، بر این بیان اشکال می‌کند که تفاوت بین وجوب و استحباب به شدت و ضعف طلب یک دقت فلسفی است که عرف متوجه آن نمی‌شود در حالی که اطلاق جزء دلالات لفظی است و در حوزه فهم عرفی شکل می‌گیرد و با این توضیحات فلسفی نمی‌شود اطلاق لفظی درست کرد.

ظهور امر در وجوب

- عراقی، ضیاء الدین، مقالات الأصول، ج ۱، ص ۲۰۸ و ۲۲۲، مجمع الفكر الاسلامی، قم، چاپ اول، ۱۴۲۰ هـ. ق. سخنان مرحوم آقاضیا در مقالات طوری است که همیشه به تفسیر احتیاج دارد و این بیان که عرض شد در واقع تفسیر شهید صدر - رضوان الله علیه - از سخن ایشان است. مقصود مرحوم آقاضیاء همین است. مرحوم نائینی واضح تر بیان کرده است. در خیلی از موارد بین تقریرات آقای خوئی در أجودالتقریرات و فوائد الأصول مرحوم کاظمینی این اختلاف بیان وجود دارد با اینکه مرحوم نائینی خیلی واضح تر از آقاضیاء صحبت می کرده و بحث هایش عرفی تر بوده است.
- بحوث فی علم الأصول، ج ۲، ص ۲۱.

ظهور امر در وجوب

- تقریر اول شهید صدر از اطلاق
- ایشان دو وجه دیگر برای تقریر اطلاق بیان می‌کند که یک وجهش را مرحوم آقا ضیاء فرموده است. وجه دیگر همین وجه است با کمی تفاوت. ایشان بر این دو وجه هم اشکال می‌کند که از طرح این اشکالات می‌گذریم.
- وجهی را خود ایشان بیان می‌کند و به نظر خودشان بهترین وجه است و معتقد است این وجه هم در ماده امر و هم در هیأت امر قابل تطبیق است.

ظهور امر در وجوب

- می‌فرمایند صیغۀ امر برای نسبت ارسالیه وضع شده است. بنابراین وقتی امر صادر می‌شود، معنایش این است که آمر مأمور را به سوی مأمور به ارسال می‌کند. این ارسال یعنی واداشتن مأمور، به انجام مأمور به.

ظهور امر در وجوب

- در واقع ابواب عدم تحقق مأمور به را می‌بندد تا مأمور وادار به انجام مأمور به گردد؛ چنان که در حوزه تکوین وقتی من می‌خواهیم یک نفر را از اطاق بیرون بیاندازیم، کاری می‌کنیم که نتواند از راه‌های بیرون رفتن استفاده کند و فقط راه بیرون رفتن بر او باز باشد.
- در حوزه تشریح نیز وقتی مولا امر می‌کند: «إِضْرِبْ» یعنی ابواب عدم ضرب را می‌بندد. این سد ابواب، مقتضای بعث و ارسال است.

ظهور امر در وجوب

- اگر می گفت: «إضرب إن شئت: اگر خواستی بزن» در حقیقت انجام مأمور به را مشروط به خواست مأمور کرده بود و معنایش این بود که بعضی از ابواب عدم را باز گذاشته است.
- پس در مقام اثبات وقتی امر می کند و هیچ بیانی دال بر ترخیص نمی آورد، ظاهرش این است که امرش بر بعث دلالت می کند و اقتضاء بعث هم این است که هیچ راهی را باز نگذاشته است. وقتی همه ابواب عدم بسته باشد، انجام آن کار واجب است.

ظهور امر در وجوب

- . همان، ص ۲۲ - ۲۳.

ظهور امر در وجوب

- توضیح عبارت تقریرات
- «إن صيغة الأمر تدل على الإرسال و الدفع بنحو المعنى الحرفي و لما كان الإرسال و الدفع مساوقاً لسدّ تمام أبواب العدم و التحرك فمقتضى أصالة التطابق بين المدلول التصوري و المدلول التصديقي أن الطلب و الحكم المبرز أيضا سنخ حكم يشتمل على سدّ تمام أبواب العدم و هذا يعني عدم الترخيص في المخالفة».

ظهور امر در وجوب

- ثالثها: أن صيغة الأمر تدلّ على الإرسال و الدفع بنحو المعنى الحرفي، و لما كان الإرسال و الدفع مساوقاً لسدّ تمام أبواب العدم للتحرك و الاندفاع، فمقتضى أصالة التطابق بين المدلول التصوريّ و المدلول التصديقيّ أن الطلب و الحكم المبرز بالصيغة سنخ حكم يشتمل على سدّ تمام أبواب العدم، و هذا يعني عدم الترخيص في المخالفة

ظهور امر در وجوب

- در این عبارت می‌فرماید هیأت امر بر نسبت ارسالیه دلالت می‌کند و ارسال سد تمام ابواب عدم را اقتضا می‌کند و سد ابواب عدم مساوق با وجوب است. این تعبیر موهوم این معنا است که خود امر بر وجوب دلالت می‌کند.
- بنابراین دیگر نیازی به اطلاق نیست؛ چون اطلاق دلالت سکوت است به این صورت که باید یک بخش از مفاد به لفظ بیان شود و بخش دیگری از سکوت مولا استفاده شود. اگر قرار است دلالت بر وجوب به طور کامل از لفظ مولا (صیغه امر) فهمیده شود، معنایش آن است که خود لفظ برای وجوب وضع شده است.

ظهور امر در وجوب

- بنابراین برای دفع این توهم باید این گونه گفت که امر دال بر نسبت ارسالیه است و این نسبت، سد ابواب عدم را اقتضا می‌کند. حال وقتی که این امر مطلق گذاشته شد و مولا این سخن را و نهاد و در کنارش بیان نکرد که بعضی از ابواب عدم باز است از این استفاده می‌کنیم که همچنان تمام ابواب عدم بسته است و معنای بسته بودن تمام ابواب عدم این است که این عمل واجب است. بنابراین وجوب را از اطلاق امر استفاده می‌کنیم نه اینکه خود امر برای وجوب وضع شده باشد.

ظهور امر در وجوب

- تقریری که از کلام شهید صدر - رضوان الله علیه - گفتیم، اولاً با عبارت خود ایشان در حلقات هم سازگار نیست. دیگر آنجا مقرر ندارد که اشتباه را به عهده مقرر بیاندازیم. بنابراین ظاهراً آنچه که در تقریرات آمده است، همان مقصود ایشان بوده است نه آن تقریری که ما گفتیم. ثانیاً اگر مراد ایشان همان باشد که در تقریرات آمده است، باید بگوئیم درست نیست و می توانیم تقریر خودمان از کلام ایشان یک بیان اصلاح شده و به عنوان یک نظریه پنجم برای تقریر اطلاق بیان کنیم؛ چنان که ایشان بیان آقا ضیاء را اصلاح کرد و به عنوان نظریه ای مجزا مطرح کرد.

ظهور امر در وجوب

- تبیین سد ابواب عدم
- کل احکام شرعی برای جهت دادن به مکلفین جعل شده‌اند. انجام بده، انجام نده، بهتر است انجام بدهی، بهتر است انجام ندهی، می‌توانی انجام دهی و می‌توانی ترک کنی، همه جهت دادن جهت‌های تشریحی هستند. اصلاً قانونگذاری معنایش همین است.
- ما با قانونگذاری می‌خواهیم افراد جامعه را وادار کنیم تا یک سری کارها را انجام بدهند و یک سری کارها را انجام ندهند یا به تعبیری یک سری مسیرها را بروند و به یک سری مسیرها وارد نشوند. مقتضای بعث همین است که ما راه‌هایی را که فرد می‌تواند از آنها برود تا این کار را انجام ندهد، ببندیم. مقتضای بعث این است نه معنای بعث! اگر هیچ یک از راه‌های عدم مأمور به را نبندد، اصلاً بعثی در کار نیست؛ چنان‌که در مباح بالمعنی الأخص همین گونه است.

ظهور امر در وجوب

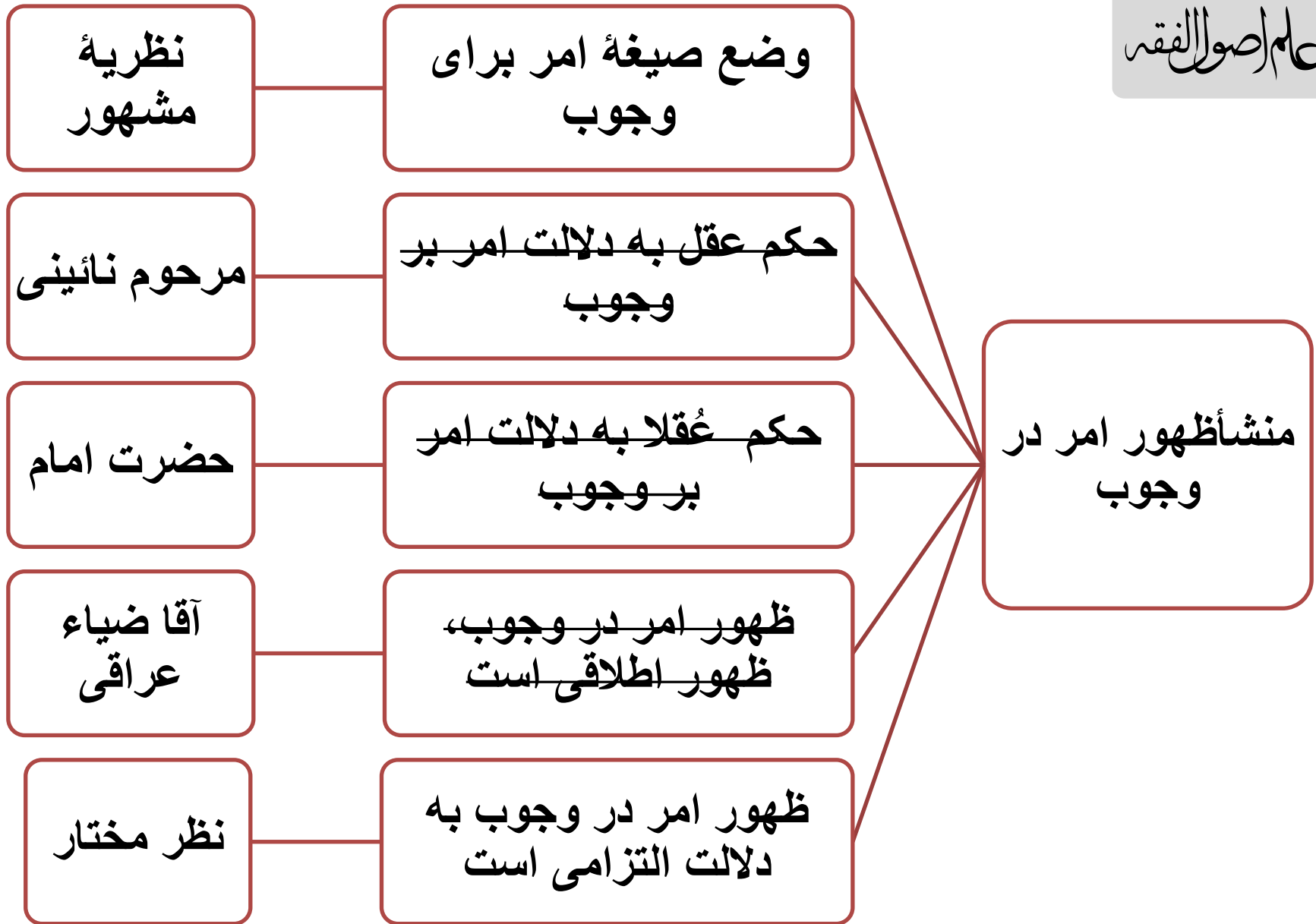
- بنابراین در مستحبات هم بعث وجود دارد با این ویژگی که بعضی از راه‌های عدم باز است. صیغه امر دلالت می‌کند بر اصل بعث. نه بر خصوص بعث وجوبی و نه خصوص بعث استحبابی. بعث هم اصل بسته شدن ابواب عدم را اقتضا می‌کند، نه همه ابواب و نه بعضی را. اطلاق امر یعنی همین که مولا نگفت بعضی از ابواب عدم باز است، اقتضا می‌کند که پس همه ابواب عدم بسته شده است.
- . الصدر، السيد محمد باقر، دروس فی علم الأصول (طبع انتشارات اسلامی)، ج ۱، ص ۶۲ - ۶۳، قم، چاپ پنجم، ۱۴۱۸ هـ. ق.

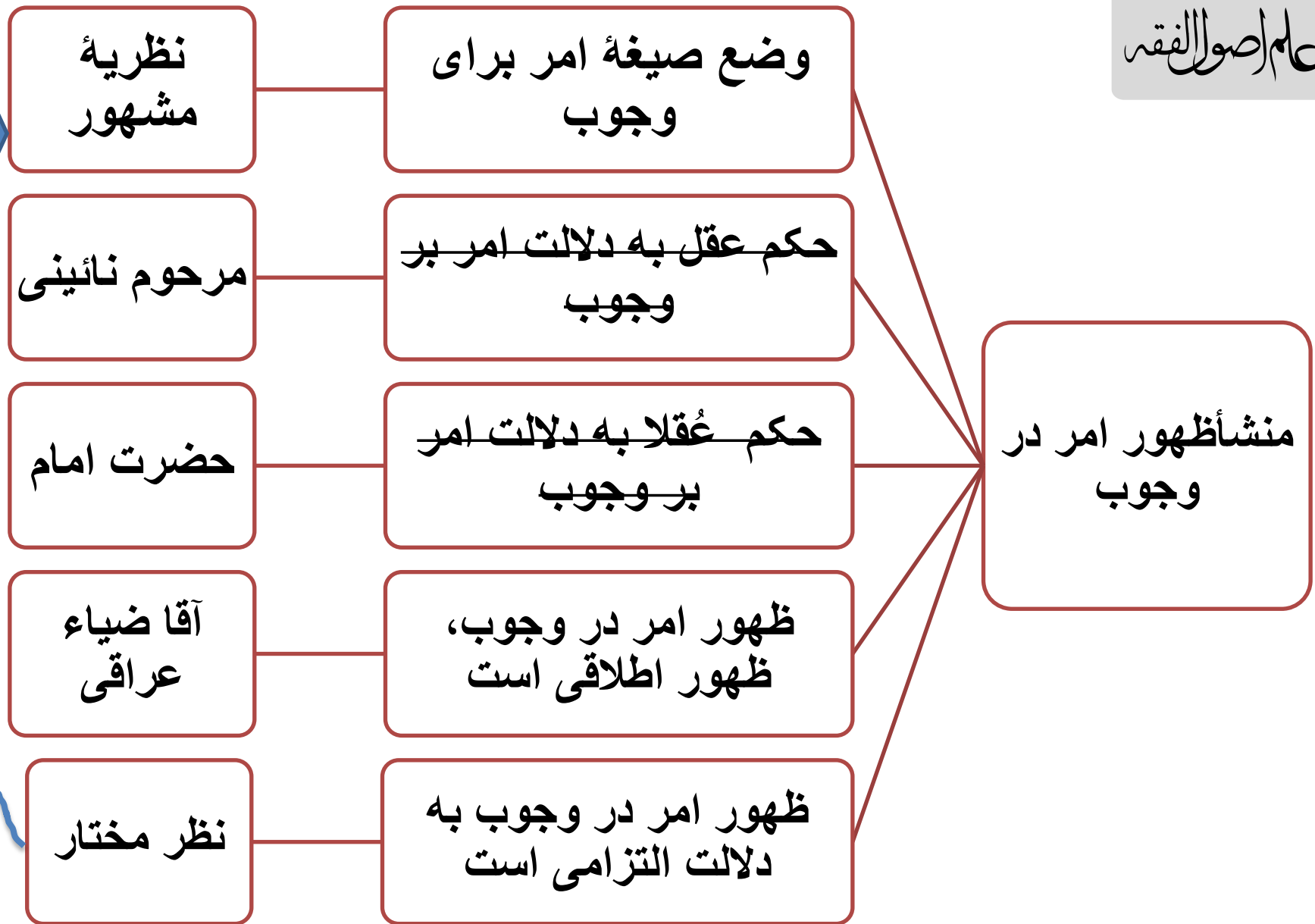
ظهور امر در وجوب

- اگر تقریر شهید صدر - رضوان الله علیه - را با دقت بررسی کنیم، در خواهیم یافت که ایشان در استدلال درست پیش می‌رفته است ولی نتیجه‌ای که در نهایت گرفتند اشتباه است.
- اینکه فرمودند امر برای نسبت ارسالیه وضع شده است، درست است.
- این نکته هم درست است که ارسال و فرستادن، سد تمام ابواب عدم را اقتضا می‌کند و در حقیقت این سد ابواب مدلول التزامی امر است نه مدلول مطابقی امر. بنابراین هیأت امر برای سد تمام ابواب عدم وضع نشده است.

ظهور امر در وجوب

- همچنان که طلب مدلول التزامی امر است. بنابراین امر برای وجوب وضع نشده است؛ هر چند که دلالت امر بر وجوب به اطلاق، به حکم عقل یا به حکم عقلا هم نیست.
- صحیح آن است که بگوییم امر به کمک وضع بر وجوب دلالت می‌کند نه اینکه برای وجوب وضع شده باشد؛ یعنی به دلالت التزامی نه مطابقی. ظاهر تعبیر مشهور این است که وجوب موضوع له (مدلول مطابقی) است. اما اگر آنچه ما گفتیم مقصودشان باشد، این بیان، تفسیری برای نظریه مشهور می‌شود و در غیر این صورت نظریه پنجم در بحث خواهد بود.





وضع

لزوم

اطلاق

منشأ ظهور

نظریه
مشهور

وضع صیغه امر برای
وجوب

آقا ضیاء
عراقی

ظهور امر در وجوب،
ظهور اطلاق است

منشأ ظهور امر
در وجوب

تصوير
اطلاق

ظهور امر در وجوب،
ظهور اطلاقى است

منشأ ظهور
امر در وجوب

منشأ ظهور
امر در وجوب

ظهور امر در وجوب،
ظهور اطلاقى است

تصوير
اطلاق

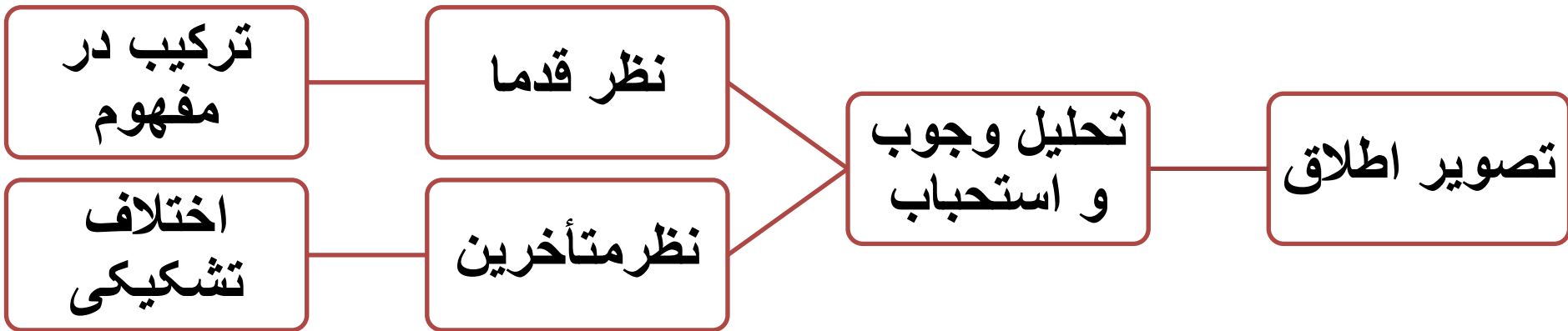
تحليل وجوب و
استحباب

منشأ ظهور
امر در وجوب

ظهور امر در وجوب،
ظهور اطلاق است

تصوير
اطلاق

تحليل وجوب و
استحباب



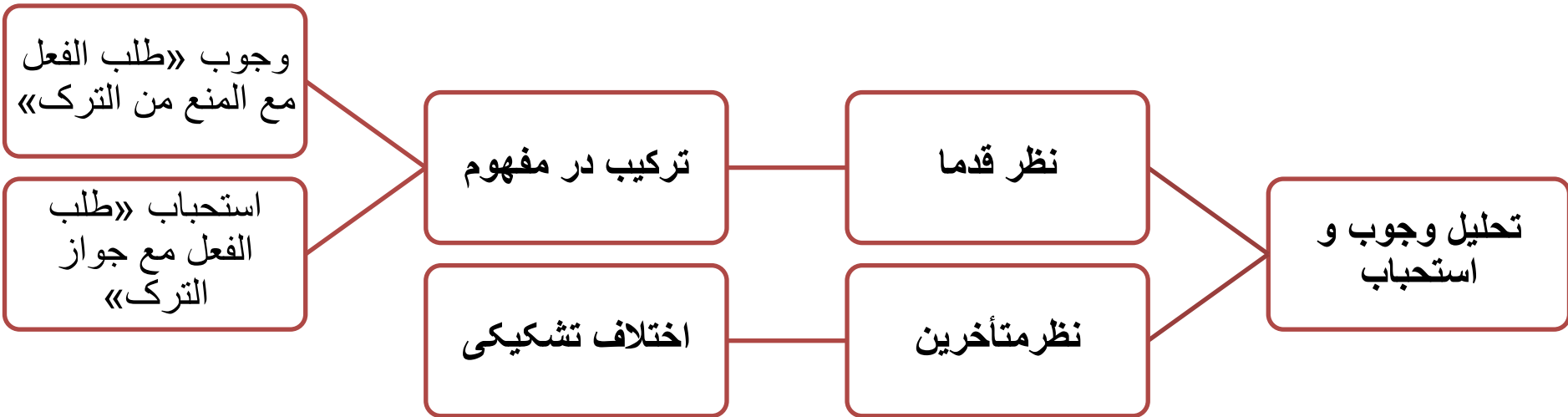
ترکیب در
مفهوم

نظر قدما

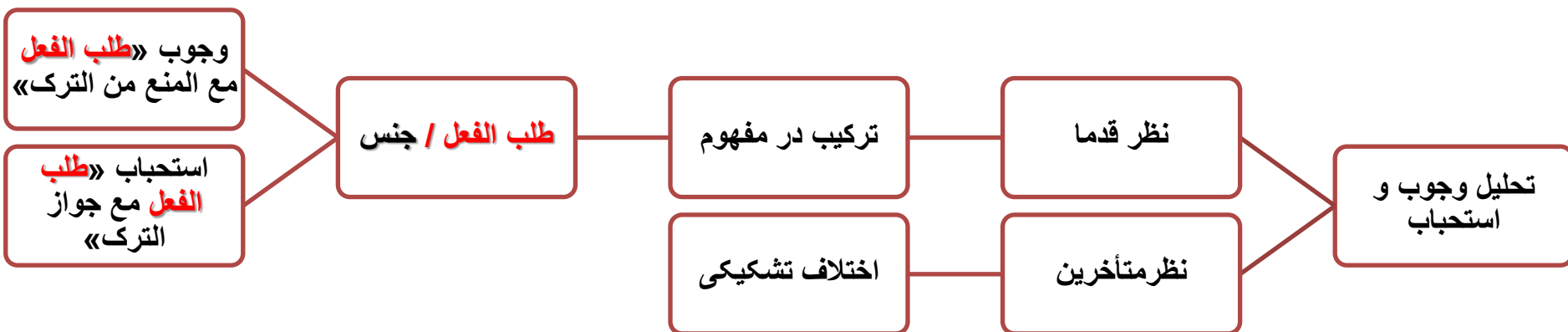
اختلاف
تشکیکی

نظر متأخرین

تحلیل وجوب
و استحباب







تحليل وجوب و استحباب

وجوب «طلب الفعل» مع المنع من الترك»

استحباب «طلب الفعل» مع جواز الترك»

طلب الفعل / جنس

تركيب در مفهوم

نظر قدما

تحليل وجوب و استحباب

نظر قدما

نظر متأخرين

ترکیب در مفهوم

اختلاف تشکیکی

طلب الفعل / جنس

وجوب «طلب الفعل»
مع المنع من الترك»

استحباب «طلب
الفعل مع جواز
الترك»

تحليل وجوب و استحباب

نظر قدما

نظر متأخرين

تركيب در مفهوم

اختلاف تشكيكي

طلب الفعل / جنس

وجوب «طلب الفعل»
مع المنع من الترك»

استحباب «طلب
الفعل» مع جواز
الترك»

موضوع له هيات
امر

تحليل وجوب و استحباب

